



کیمیا سماوات / روزنامه نگار

اوبا حسینعلی قبادی، مصطفی اقلیما و امان الله قزایی

درباره مفهوم رواداری در سطوح مختلف فرهنگی و اجتماعی صحبت کرده است

حسینعلی قبادی،

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی

و مطالعات فرهنگی؛

مولانا و سعدی شارحان بزرگ رواداری هستند



← رواداری در حقیقت پذیرش دیگری است و رعایت حقوق دیگران، باورمندی و ضرورت تعامل و گفت‌وگو و مدارا با دیگران است. رواداری یعنی حقوق دیگران و شهروندان را همه جانبه به رسمیت شناختن.

رواداری در ساختار فرهنگ، تمدن و ادبیات ایرانی معنای پررنگ و برجسته‌ای دارد و شاید بی‌اغراق نباشد که بگوییم یکی از مؤلفه‌های هویت ایران است و تاریخ و تمدن و فرهنگ و رفتار ایرانی بوده و باوجود جفاکاری متعرضان به میهن و تاریخ و سرزمین ما از عوامل بسیار مهم حفظ و تداوم و تسلسل فرهنگ و میراث و تمدن ایرانی واقع شده است، مثلاً سعدی، مولوی، عطار یا حتی در شاهنامه که باید کتابی حماسی و سرتاسر جدال باشد، می‌بینیم که فقط حکمت، خردورزی و توصیه به دیالوگ و گفت‌وگو توصیه و ارائه می‌شود.

همین است که در شاهنامه از اینگونه بیت‌ها بسیار داریم: «چو برداشی شد گشاده جهان / به آهن چه داریم گیتی نهان» پس می‌بینیم که شاهنامه افراد مختلف، از زن و مرد، ایرانی و غیر ایرانی و... را به سمتی سوق می‌دهد که آنجا سنت رواداری بر سنت خشونت و جنگ وستیز غلبه

← رواداری یعنی مدارا کردن مردم با یکدیگر، به‌گونه‌ای که وقتی کنار یکدیگر قرار می‌گیرند مشکلاتشان را کنار بگذارند و یکدیگر را بیشتر درک کنند. مردم قسمتی از جامعه و

سیاستمداران قسمت دیگری از جامعه هستند؛ در دستگاه دولتی برای مشاهده این هماهنگی باید به این موضوع توجه داشت که آیا مسئولین یکدیگر را قبول دارند و با هم مدارا می‌کنند یا نه. مثلاً گاهی به کشوری سفر می‌کنیم و به دستگاه حکومتی آن می‌نگریم و می‌بینیم که وزیری بر سر کار است و معاونین آن نیز مشغول به کارند، طبق کتاب قانون با یکدیگر کنار می‌آیند و مطابق آن دستورالعمل‌ها با یکدیگر همکاری می‌کنند، در کشورهای جهان سوم هم دستورالعملی داریم که می‌گوید وزیر و معاونین چه وظایفی دارند و به چه اموری باید رسیدگی کنند اما در این کشورها معاونین نظریات وزیر را قبول ندارند، در واقع ایراد کار این است که افرادی را که بر سر کار گذاشته‌ایم یکدیگر را قبول ندارند، هر چند که شاید در ظاهر قبول داشته باشند ولی در باطن و عمل اینگونه نیست و آشفتگی بسیاری را مشاهده می‌کنیم. رواداری را در نظام‌های اجتماعی کوچک‌تر نگاه کنیم و ببینیم چه نتایجی دارد و این نتایج چگونه می‌تواند در جهان ما تأثیر بسزایی داشته باشد. اگر به محله‌های تهران نگاه کنیم، مثلاً به خیابان مجیدیه یا خیابان رسالت، می‌بینیم که بسیاری از اصفهانی‌ها آنجا سکونت دارند یا در محله‌هایی دیگر اقلیت‌های مذهبی زندگی می‌کنند؛ پس محله‌های ما محله‌های فرهنگی است؛ بدان معنا که افرادی که از یک قماش و فرهنگ هستند

پذیریم که متکثریم

مصطفی اقلیما /

جامعه‌شناس



در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند چرا که همدیگر را بهتر درک می‌کنند و رفتار یکدیگر را بیشتر می‌شناسند و با یکدیگر بر سر مسائل سطحی اختلاف ندارند و مفهوم جزئیات رفتار یکدیگر را می‌شناسند. گاهی محله‌هایی را مشاهده می‌کنیم که اقشار مختلفی از مردم در آن جای گرفته‌اند که یکدیگر را به خوبی درک نمی‌کنند، در این هنگام نیاز است که شهرداری در آن محلات جلساتی را برگزار کند و افراد با فرهنگ‌های متفاوت را بیشتر با هم آشنا کند مثلاً اگر فردی حرفی را می‌زند که در نظر فرد دیگری توهین به حساب می‌آید آن حرف توهین نیست بلکه در فرهنگ او اینچنین است و این نوعی از رفتار خاص این افراد است. یاد می‌آید قدیم‌ها، در محله نظام‌آباد تهران همسایه‌ها آنقدر با ما صمیمی بودند که برای ما غذا می‌آوردند یا اگر مشکلی برای ما پیش می‌آمد، جهت حل آن کمک می‌کردند، چون مردم محله به یکدیگر نزدیک بودند و احساس صمیمیت می‌کردند و در تمام کارها مشارکت می‌کردند، بافت سنتی قدیمی داشتند. افراد هر روز با یکدیگر ملاقات می‌کردند و شناخت بیشتری از یکدیگر داشتند اما امروز در بسیاری محلات چنین وحدتی وجود ندارند. در جایی که افراد زیادی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند نیاز است که این شناخت ایجاد شود تا بتوانند بهتر یکدیگر را درک کنند و با هم به مشکل برخوردند. به یک مثال در این مورد اشاره می‌کنم. وقتی فردی از شهرستان به خوابگاهی در تهران می‌آید با فرهنگ‌های مختلف روبرو می‌شود، همیشه توصیه من به مادرهای دانشجویها این است